

مرز نامرئی تنبیه و خشونت علیه کودکان



خانه امن - انواع گوناگونی از خشونت نسبت به کودکان وجود دارد، اما اصلی ترین عنصری که این خشونت ها را به هم مرتبط می کند تأثیر روحی - روانی است که بر کودکان می گذارند. کودکان نیاز دارند که شرایط برای آنها قابل پیش بینی باشند، چارچوب زندگی شان مشخص باشد و مرزها کاملاً مشخص باشند. آنها همچنین باید بدانند که والدین شان حافظ امنیت آنها هستند. کودکان خشونت دیده نمی توانند رفتار و عکس العمل های والدین خود را پیش بینی کنند. دنیای آنها غیر قابل پیش بینی و وحشت انگیز و فاقد حد و مرز و مقررات است. چه خشونت تنها یک تو گوشی باشد، و چه یک انتفاد، سکوت سنگین، و یا ندانستن اینکه آیا شب شامی بر سر میز خواهد بود یا نه؟ در نتیجه کودک احساس نا امنی، تنهایی، و بی سرپرستی می کند.

خشونت های روحی - روانی به کودکان

"چوب و سنگ ممکن است که استخوان های مرا بشکنند، اما کلام بد هرگز مرا آزار نمی دهد"، برخلاف این اصطلاح قدیمی، خشونت های روحی - روانی و یا کلامی می توانند شدیداً به سلامت روان و رشد اجتماعی کودکان آسیب برسانند و زخم های روانی عمیق و طولانی مدتی به جای بگذارند. از جمله این خشونت های روحی - روانی می توان موارد زیر را نام برد:

- تحقیر، خجالت زده کردن، و مسخره کردن مدام کودک
- کودک را با اسم های نا مناسب خطاب کردن و مقایسه منفی آنها با دیگران
- خطاب کردن "یک اشتباه" و "بی ارزش"، "بد" مرتب کودک را
- فریاد زدن، تهدید و تحکم مدام کودکان
- نادیده گرفتن و بی توجهی کردن به کودک برای تنبیه و یا سکوت کردن برای ادب کردن او
- تماس جسمی کم و نشان ندادن عشق و محبت به کودک (در آغوش کشیدن، بوسیدن، و دیگر نشانه های مهرورزی)
- خشونت به کودک و یا اطرافیان او، حال آنکه این خشونت به یکی از والدین باشد، به خواهر و یا حیوان خانگی

غفلت از کودک

غفلت از کودکان یکی از انواع رایج خشونت علیه آنها است. در واقع یک الگوی رفتاری است که نشان دهنده عدم موفقیت والدین در برآورده کردن نیازها اولیه کودکان می باشد که از آن جمله می توان غذای کافی، پوشاک، بهداشت و سلامت، و سرپرستی را نام برد. غفلت از کودکان همیشه قابل تشخیص نیست. گاهی اوقات یکی از والدین به دلیل آسیب جدی، افسردگی مزمن، و اضطراب قادر به مراقبت از کودکان نمی باشد و یا گاهی استفاده از الکل و مواد مخدر می تواند به طرز شدیدی در تربیت و حفظ امنیت کودک تأثیر منفی بگذارد.

کودکان بزرگتر ممکن است نشانه هایی از خود نشان ندهند و برای پنهان کردن بی سرپرست بودنشان حتی سعی کنند که نقش یکی از والدین را ایفا کنند. اما در نهایت کودکانی که مورد غفلت والدین خود قرار می گیرند هرگز نیازهای روحی و جسمی شان ارضاء نخواهند شد.

خشونت جسمی به کودک

خشونت جسمی شامل آسیب و صدمه رساندن به کودک است که نه همیشه اما گاهی اوقات می تواند تعدمی باشد. این خشونت ها همچنین می توانند به هدف تربیت کردن کودکان باشند که از آن جمله می توان کتک زدن کودک با کمر بند، تنبیه بدنی که مناسب سن و شرایط جسمی او نیست را نام برد.

بسیاری از والدین و پرستاران کودکان که از خود خشونت جسمی نشان می دهند معتقدند که خشونت جسمی ابزاری برای تربیت کودکان

است. حال آنکه باید دانست تربیت، نظم و ترتیب دادن به کودکان، و شناساندن خوب از بد به آنها نه تنها با خشونت جسمی میسر نمی شوند، بلکه آنها را وارد یک زندگی پر بیم و هراس می کنند.

تربیت و خشونت جسمی

در مورد خشونت های جسمی بر خلاف گونه های دیگر رفتارهای تربیتی باید موارد زیر را مد نظر قرار داد:

- کودک هرگز نمی داند که چه رفتاری ممکن است والدین اش را خشمگین کند. هیچ قانون و حد و مرز واضحی برای - غیر منتظرگی کودک وجود ندارد. کودک همیشه بر لب تیغه راه می رود، نا مطمئن از این که چه کار وی خشم و خشونت جسمی والدین را بر می انگیزد.
- والدین خشونت گر از روی خشم و حس کنترل گری و نه مهرورزی، سعی در تربیت کودکان دارند. هر چه - خشونت غیر قابل کنترل والدین خشمگین تر باشند، خشونت و آزار و اذیت جسمی شدیدتر خواهد بود.
- والدین خشونت گر ممکن است بر این باور باشند که کودکان برای حرف شنوی باید از آنها - استفاده از روش ایجاد رعب و وحشت ترس داشته باشند، بنابراین با استفاده از خشونت جسمی سعی می کنند که آنها را فرمانبردار کنند غافل از اینکه این رفتار باعث می شود که کودکان فقط کاری کنند که کتک نخورند و چگونگی رفتار صحیح را نخواهند آموخت و رشد اخلاقی نخواهند پیدا کرد.

مترجم: مهتاب صمیمی

منبع: <http://goo.gl/OwDlsc>